

# ایل شکاک

بیژن شهریارافشار

ازانتشارات اداره فرهنگ عامه

یکی از ایلهای کرد مغرب‌ایران ایل شکاک است. مردم این ایل ازمرز نشینان دو کشور ایران و ترکیه می‌باشند ودرشمال غربی شهرستان رضائیه دردوبخش صومای و برادوست زندگی می‌کنند. جمعیت ایل شکاک پیرامون ۲۵۰۱۲ تن است که درپیش از ۱۷۰ آبادی بزرگ و کوچک بسر می‌برند. (شکل ۱)

برادوست سرزمینی است کوهستانی و سردسیر که ازسوی باختر به خط مرزی ایران و ترکیه، ازشمال به بخش صومای، ازجنوب به «تَرگور» وازخاور به «بروژ» می‌خورد. این بخش با ۵۲ آبادی درحدود ۱۳۰۸ خانوار ازایل شکاک را درخود جای داده است. مرکز این بخش دهکده «ایشگه سو» و آبادیهای بزرگ و بنامش، «چیره»، «زنکه کان»، «گنگچین»، «مستکان» و «نی‌چلان» می‌باشد. این آبادیها باکوره راههای مالرو به یکدیگر و شهر راه می‌یابند (شکل ۲) و راه قدیم ترانزیت ایران و ترکیه از نزدیک دهکده «سرو» می‌گذرد. بیشتر مردم دهات برادوست برای رفتن به شهر ازاین راه استفاده می‌کنند. آب این آبادیها از رودخانه «سرو» و چشمه است. بیشتر مردم این بخش کشاورزند و آنچه از کشت به دست می‌آورند غلات و توتون است.

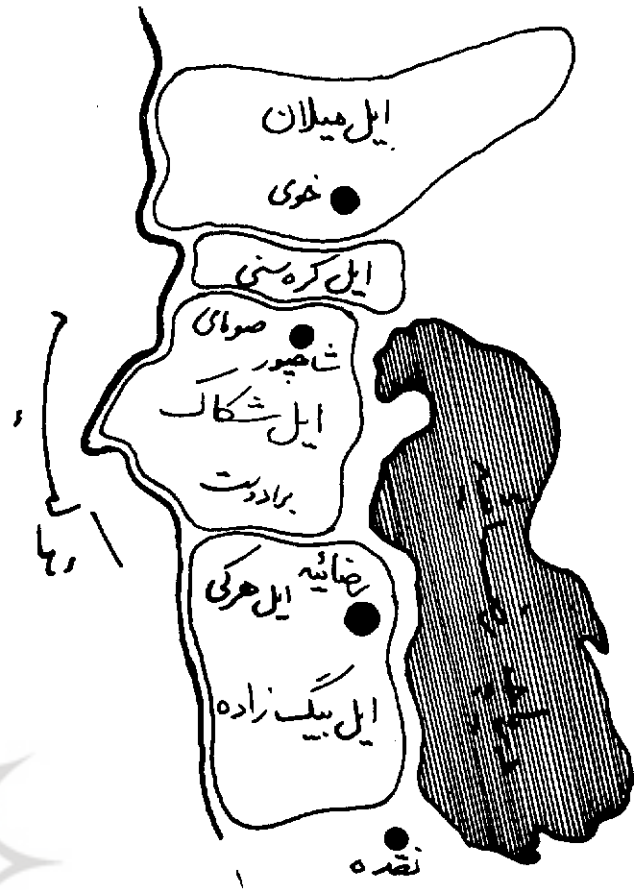
صومای یکی از بخش‌های پنجگانه شهرستان رضائیه ودرشمال باختری رضائیه و شمال برادوست قرار دارد. این بخش ازشمال به حومه شهرستان شاهر و ازجنوب به بخش سلوانا وازخاور به بخش مرکزی رضائیه و ازباختر به مرز کشورهای ایران و ترکیه می‌رسد. این بخش ۱۱۷ آبادی ودرحدود ۳۵۴۲ خانوار جمعیت دارد. دهکده «هشتیان» مرکز این بخش و «ممکان»، «گنبد» و «زین‌دشت» از آبادی‌های بزرگ آن می‌باشد.

صومای نیز چون برادوست سرزمینی است کوهستانی و سردسیر. مردمش به کشاورزی و گله‌داری می‌پردازند و برای آبیاری مزارعشان از آب رودخانه‌های «سرو»، «هشتیان» و «بردوک» استفاده می‌کنند.

شکاکها درگذشته همه چادر نشین و دامدار بودند و برای یافتن چراگاه و زمین‌های سرسبز می‌کوچیدند و بیلاق و قشلاق می‌کردند. آنگاه که به سرزمینی پر آب و علف می‌رسیدند باروبنه را از اسب و قاطر و خرها برمی‌گرفتند و با برافراشتن سیاه چادرهای خود زندگی را آغاز می‌کردند (شکل ۳). با لخت شدن زمین ازسبزه باز سیاه چادرها و چیدن‌های درون آن را جمع می‌کردند و برای یافتن چراگاهی دیگر برآه می‌افتادند. این چنین زندگی هرگز مجال پیش نمی‌آورد تا شکاک را به خانه سازی و کشاورزی علاقه‌مند کند. ولی امروز اکثر مردم ایل ده‌نشین و کشاورزند و به زمین‌و خانه همان‌گونه عشق می‌ورزند که درگذشته به سیاه‌چادرو گله می‌ورزیدند.



۴- ایل شکاک برای رفت و آمد به دهات و شهرها از اسب و استر و خر استفاده میکنند.



کسانی هم که هنوز زندگی چادرنشینی را رها نکرده اند (شکل ۴ و ۵) باز در پی یافتن دشتهای پر گیاه راه کوه ودشت را می پیمایند و همراه گله، بهار و تابستان را به این سو و آن سو می کوچند. بیلاق این گروه نواحی کوهستانی مرز ایران و ترکیه در مراتع خالصه «ترگور» و «دشت بیل» است و قشلاقشان هم دهات و آبادیهائی است که در پیرامون شاهپور و رضاییه ساخته اند.

### « سازمان ایل »

ایل شکاک دو طایفه بزرگ دارد :

۱) کاردار

۲) عبدوی

طایفه کاردار هشت تیره زیر از ایل شکاک را در بر می گیرد :

۱- پزاقا کاردار ۲- کچلی ۳- نَعَمَتی ۴- مامدی کاردار ۵- شکیری

۶- آدمانی ۷- اوری ۸- چَرکوی .

مردم تیره پزاقا در برادوست و کچلی در دودوخش برادوست و صومای زندگی می کنند.

چرکویها در چند آبادی پراکنده اند و مردم پنج تیره دیگر در چهریق و حومه شهرستان شاهپور

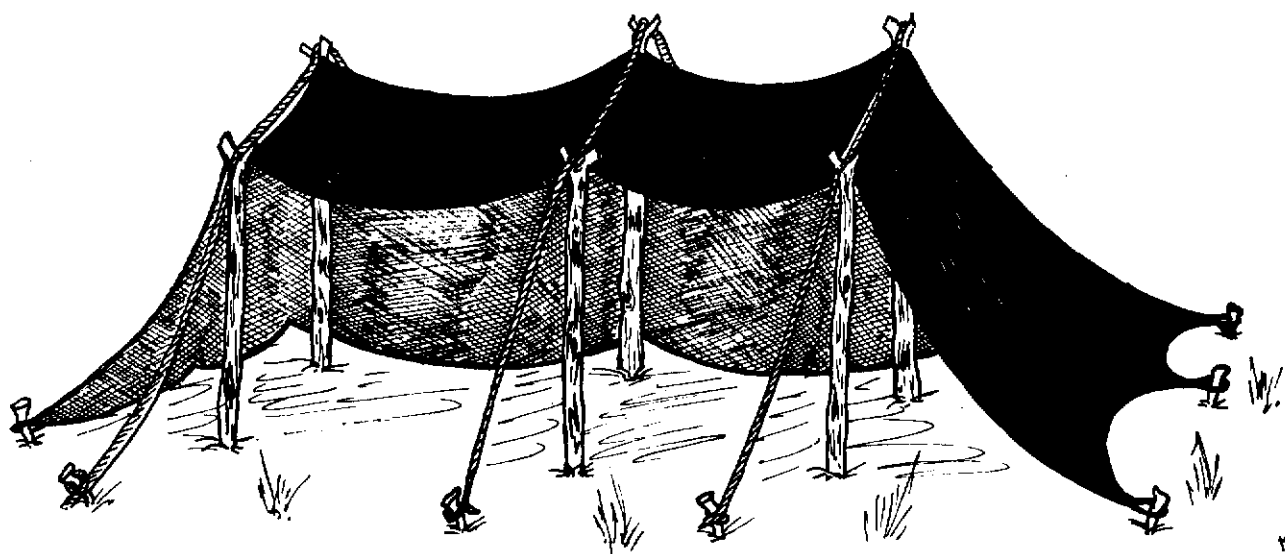
بسر می برند .

طایفه عبدوی سیزده تیره را در بر می گیرد :

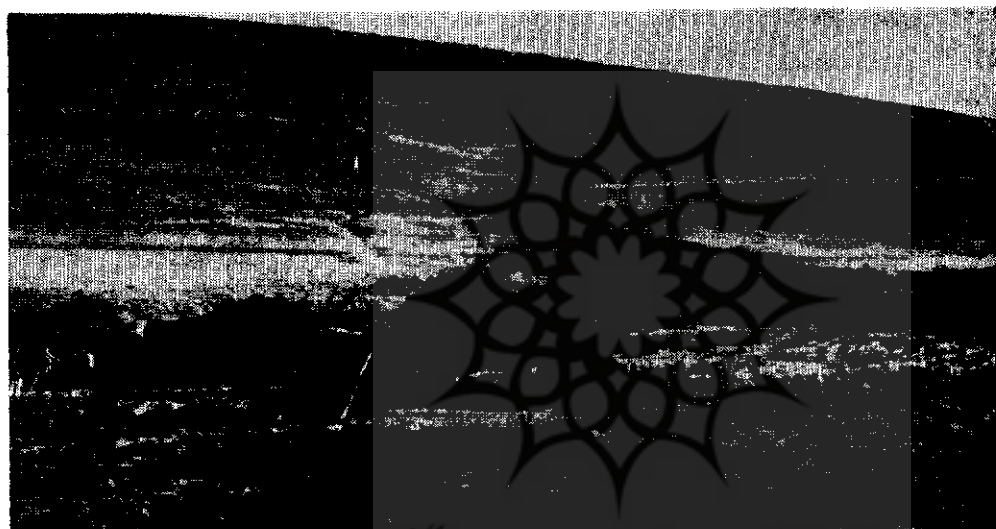
۱- دلان ۲- پزاقا عبدوی ۳- دری ۴- هینار ۵- فَنک ۶- خَلوف

۷- خیدری ۸- بوتان ۹- نیسان ۱۰- مامدی عبدوی ۱۱- مَقری ۱۲- پاچیک

۱۳- گورگ .



۳



۴

۴- سیاه چادری از کوچندگان  
کرد شكاك ۴- شكاهای  
کوچنده و دامپرور در دشتها  
و دامنه کوههای پر آب و علف  
سیاه چادرهای خود را در کنار هم  
برپا میدارند .

مردم تیره‌های پزاقا و دری و هنار دربخش برادوست و خلوف و خدری و بوتان و نیسان دربخش صومای زندگی می‌کنند . مقربها و پاچک در انزل و مردم تیره فنک درصومای و انزل زندگی می‌کنند . تیره مامدی عبدوی هم درچهریق و شیران و انزل بسر می‌برند . هر يك از طایفه شكاك يك سرپرست دارد . سرپرستی طایفه عبدوی در گذشته با اسمعیل آقا سمیتقوی معروف بود که در ضمن ریاست ایل را هم به عهده داشت ولی اکنون فرزند او طاهرخان تنها سرپرست طایفه عبدوی است .

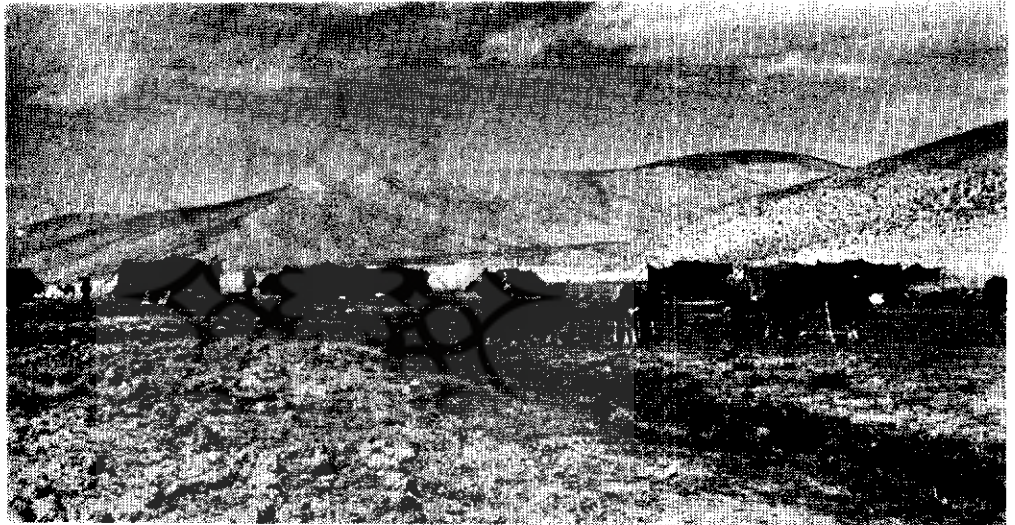
سرپرستی طایفه کاردار نیز تا چند سال پیش با عمرخان شریفی بود . پس از مرگ او فرزند ارشدش قادرخان به فرمان شاهنشاه به سرپرستی طایفه برگزیده شد . تیره‌های هر طایفه نیز سرپرستی و بزرگی دارد که همه از سرپرست طایفه پیروی می‌کنند .

سرپرستی در ایل شكاك موروثی است و از پدر به پسر ارشد می‌رسد . اگر پسری پس از مرگ پدر صلاحیت و شایستگی سرپرستی طایفه یا تیره را نداشته باشد بزرگان و ریش سفیدان یکی دیگر از پسران سرپرست در گذشته را (در صورتی که پسران او متعدد و بالغ باشند) که لیاقت بزرگی و سروری دارد برمی‌گزینند . در غیر این صورت یکی از مردان کاردان ولایت خانواده او را به این مقام انتخاب می‌کنند .

### وظایف سرپرستان ایل

رسیدگی به اختلافات و گرفتاریهای مردم و برطرف کردن نیازمندی آنان از نخستین وظایف سرپرستان طایفهها و تیرههاست. برای این مقصود هر يك از سرپرستان طایفهها و تیرهها اتاق بزرگی در خانههای خود به نام دیوانخانه ساختهاند. سابقاً «دیوانخانه» مخصوص رسیدگی بکارهای ایلی و رفع مشکلات و اختلافات مردم بود و در آن همیشه بروی دادخواهان باز بود و همه مردم از رعیت و دهقان برای عرضحال و دادخواهی و احقاق حق بدان پناه می بردند ولی در این روزگار که مأموران دولت در رفع اختلافات دخالت بیشتری دارند، دیوانخانه به صورت مهمانخانه و اتاق پذیرائی آنها درآمده است. البته باز هم گاه گاهی انجمنهایی در دیوانخانهها تشکیل می شود و تصمیماتی در آنها گرفته می شود.

سرپرستان ایل بیشتر می کوشند تا اشکالات معنوی زندگی و اختلافات مردم را با کدخداهای خود از میان بردارند و آتش نفاق را خود فرو نشانند. هر گاه در اختلافی پای مراجع قانونی به میان آید باز اظهار نظر سرپرستان طایفهها و تیرهها مفید خواهد افتاد. سرپرستان ایل



۵ - در ایل شكاك هوز تیرههایی یافت میشوند که زندگی چادر نشینی و کوچگری رارهان کردهاند

هر گونه قضاوت و اظهار نظری که درباره موضوع و مسئلهای بکنند مردم ایل آن را به جان پذیره می شوند. سرپیچی و نافرمانی از دستور سرپرستان ایل برای مردم برابر با از دست دادن بزرگترین پشتیبان خواهد بود.

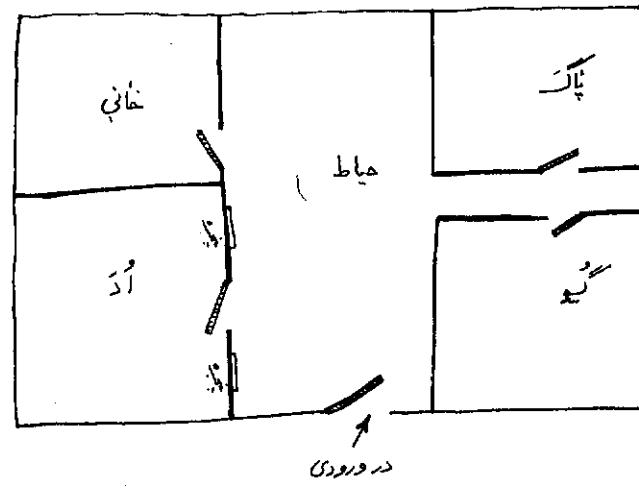
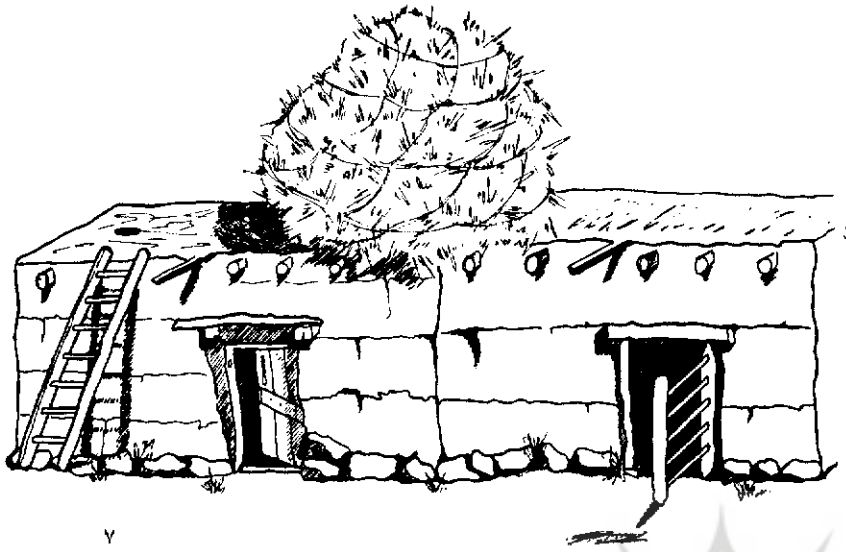
### ساختمان خانهها

تا چند سال پیش سرپرستان تیرهها و طایفههای شكاك که مالك تمام زمین دهات بودند، برای حفظ مالکیت مطلق خود و رفع هر گونه تشویش و نگرانی از خود، خانههای افراد ایل را با هزینه خود می ساختند. مصالحی که در ساختن این خانهها بکار رفته بیشتر سنگ و گل است. البته در میان خانهها پاره ای هم از خشت و گل می باشد. هر خانه يك اتاق نشیمن (خانی) يك طویله (پاگ) و يك آغل (گاو) دارد. (شکل ۶ و ۷) خانی اتاق خواب خانواده نیز هست. تنور نان پزی و آشپزخانه هم در این اتاق است. در بام آغل و طویله روزنههایی گذاشته اند که آنها را «كلك» می خوانند.

خانهها همه يك طبقه اند مگر خانههای پاره ای از سرپرستان و افراد توانگر ایل که دو طبقه می باشد و اتاق بزرگی در آن برای پذیرائی از مهمانان ساخته شده که «آد» نامیده می شود.



۶- برشی از يك خانه كرد شكاك ۷- نمائی از ساختمان پاك (طويله) وگو (آغل) ۸- چراگاهی برای دام ۹- خوراك زمستان گوسفندان را هم باید در بهار و تابستان فراهم كرد. ۱۰- كشاورز شكاك برای شخم زمین های سخت از «كُتان» خیش هشت گاوی استفاده میکنند. ۱۱- مرد شكاك اکنون با حوصله تمام ساعتها روی جنج می نشیند و خرمن میکوبد. ۱۲- شكاك واسب دوبار جدائی ناپذیر و مهربانند که در کوچها و سفرها همدم و همراهند.



### دامپروری

با اینکه در گذشته دامداری تنها شغل مردم ایل شكاك بود و زندگی آنها از این راه می گذشت، ولی امروز شماره دامهای آنها به اندازه ای کم و اندک است که نمی توان شكاك را دامپرور دانست. هر كشاورز شكاك چند تائی هم گاو و گوسفند دارد - آنها برای نیازی که به فرآورده های دامی از قبیل روغن، کره، پنیر، ماست، و شیر دارند. كشاورزان گوسفنددار چند تن يك چوپان می گیرند و گوسفندان خود را به صورت يك گله به او می سپارند. چوپان هفت ماه از سال (از اول بهار تا يك ماه از پاییز گذشته) گله را به چرا می برد (شکل ۸) در بهار و تابستان گوسفندان را دوبار در روز ظهر و عصر می دوشند و در يك ماه پاییز يك بار. با سرد شدن هوا و آمدن برف راه کوه و صحرا بر گوسفندان بسته می شود. در این مدت گوسفند را در جایگاه زمستانی اش (آغل) نگه میدارند و خوراك آنها در این چند ماه از



۱۲

۱۱

۱۰

۹

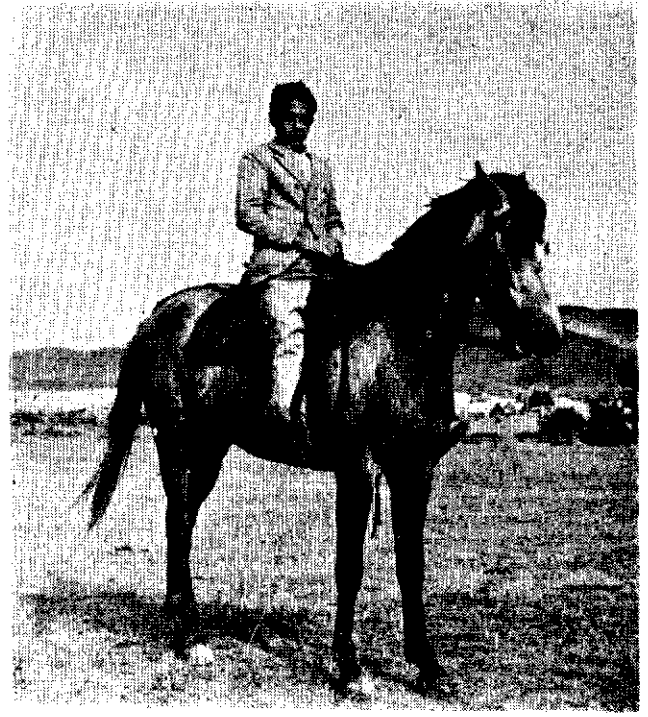
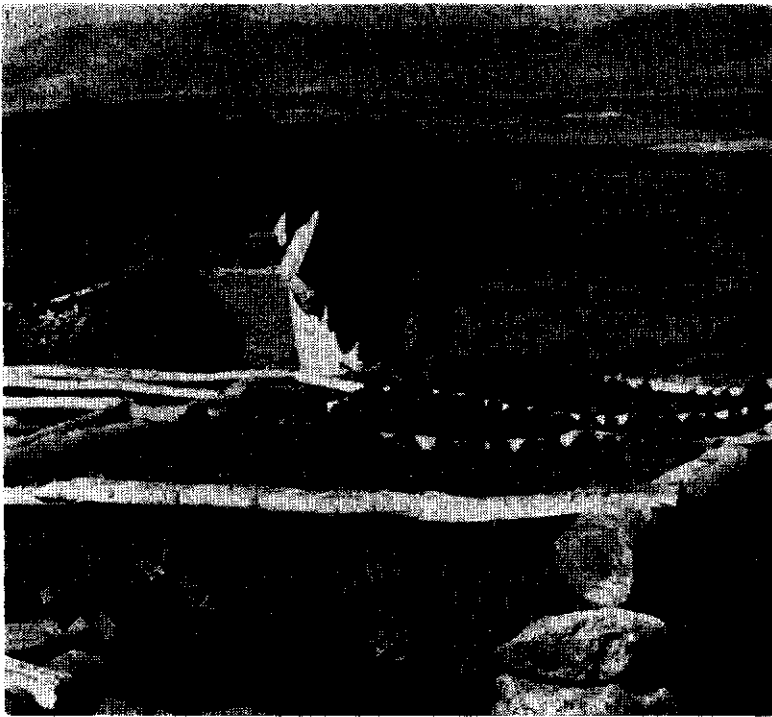


علفهای است که در بهار و تابستان از کوه و دشت کنده و گرد آورده اند (شکل ۹). بعضی از گوسفندداران نیز برای خوراک زمستانی گوسفندان شان یونجه میکارند.

#### کشاورزی

امروزه اساس کار و زندگی شکار بیشتر کشاورزی است و کمتر دامداری. محصولات عمده شکارها گندم، جو، توتون و سیب زمینی است. البته گندم بیش از همه وسیع زمینی کمتر از همه می کارند. گندم را هم برای فروش و هم برای مصرف خود می کارند. گندم به دو گونه





۱۴ ۱۳

۱۳ - شكاك پوشیدن كت وشلوار شهری را دلیل تمدن میدانند ، بویژه بمران سرپرستان ایل که رغبت فراوانی به پوشیدن لباسهای شهری دارند . ۱۴ - گرچه بستن رشته‌های برگ توتون به چهارچوب کار مشکلی نیست ولی درخور توانائی سالخوردگان شكاك میباشد .

دیمی و آبی کاشته میشود . بیشتر مزارع گندم به جهت کوهستانی بودن منطقه زندگیشان دیمی است . سابقاً از هر دو نوع گندم هنگام برداشت يك پنجم به مالک که سرپرستان طایفدها و تیره‌ها می‌باشند داده میشد . این بهره مالکانه را « ده دو » می‌گفتند . این بهره برای زمینی است که مالک در اختیار کشاورز می‌گذاشت و کشاورز بابت آبی که از رودخانه یا چشمه به مزارع آبی می‌انداخت چیزی به مالک نمی‌داد . البته امروزه با رسیدن دامنه اصلاحات ارضی به آن مناطق ، دهقانان مالک زمین‌هایی شده‌اند که در آنها کشت می‌کنند و از پرداخت « ده دو » بهره مالکانه آسوده شده‌اند . وسائل و ابزارهای کشاورزی شكاكها قدیمی و ابتدائی است (شکل ۱۰) آنها هنوز با « جوت » (خیش) و « کتان » و بیل و داس ، کشت و زرع می‌کنند (شکل ۱۱) . ابزارهای نوین و ماشینی کشاورزی راهی به دهاتشان باز نکرده است . شاید کشاورزان به علت فقر و نداری قادر به خرید وسائل نوین کشاورزی نیستند و با پرت بودن دهات و نبودن راههای ماشین‌رو مانع این کار شده است . زیرا مشکل بتوان ماشینی از بیرهادهای دهات آنها عبور داد بخاطر کم عرضی و ناهمواری آنها .

#### مرد و زن شكاك

مرد شكاك معمولاً بلند است و کشیده . آرام است و ورزیده و پرتاقت . مرد شكاك واسب دویار جدایی‌ناپذیر و مهربانند که در کوچها و سفرها همدم و همراهند . (شکل ۱۲ و ۱۳) مرد شكاك همان گونه به زن و فرزند عشق می‌ورزد که به اسبش . سوارکاری و تیراندازی را خوب می‌داند و آن را از کودکی آموخته زیرا زندگی و کوچ و سرزمین کوهستانی آنها را چنین تربیت می‌کند . (شکل ۱۴ و ۱۵) پرکار و پرتوان است و هرگز از کار روی گردان نیست . مرد شكاك با زن و فرزند و دوست و خویش مهربان و فداکار است . با دشمن خشن و کینه‌توز . مهمان‌دوست و مهمان‌نواز است . از مهمانان آشنا و بیگانه صمیمانه پذیرائی می‌کند . (شکل ۱۶) هرگز گرد نیرنگ و ریا نمی‌گردد . در گفتار و کردار صادق و صمیمی است و از حرف تا عمل فاصله‌ای نمی‌شناسد .

زن شكاك خوش‌اندام است و زیبایی او وحشی و بکر است . پای درزنجیر و دست در بند



۱۵



۱۶



۱۷

۱۵ - سیدبافی از کارهای سبک کردهاست . ۱۶ - مرد شکاک آرام و صمیمی و بااراده و پرکار است . ۱۷ - نوازندگان شکاک تمام نغمهها و ترانههای کردی را بر بیانی و استادی تمام مینوازند

خانه نیست . او در کار خانه‌داری مانند رفت و روب ، آشپزی ، بچه‌داری ، شیردوشی ، کره‌گیری و ماست‌بندی چست و چالاک است .

در کارهای سنگین بیرون از خانه مانند پشم چینی ، کمک در درو کردن و خرمن کوبیدن و کشت و برداشت توتون زرنک و پرتاب است . نشاء کردن جوانه‌های توتون در مزرعه و وجین - کردن و برگ‌چینی و بسته‌بندی توتون از مهمترین کارهای اوست . اگر روزی ساعتی فراغت یابد به بافتن جوراب‌های پشمی و خورجین و سیاه‌چادر سرگرم می‌شود . او فرمانبردار مطلق شوهر است و هرگز از گفته و خواسته شوهر سرپیچی نمی‌کند . او پایبای شوهر برای بهبود و ترفیه زندگی می‌کوشد و از هیچ‌گونه تلاش و زحمتی باز نمی‌ایستد . زنان شکاک با زحمات فراوانی که می‌کشند هرگز شور و حال و شادابی خود را از دست نمی‌دهند در جشنها و عروسیها شور درون را با پایکوبی و دست‌افشانی و ترانه‌خوانی به زیباترین و لطیف‌ترین وجهی نشان می‌دهند . (شکل ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰)

زن شکاک پاک است و عقیف ، اگر روزی بردامن عفتش لکه‌ای از ننگ بنشیند . سرنوشتی غم‌انگیز و شوم خواهد یافت .

#### پوشاک زنان و مردان :

پوشاک زنان شکاک نوع خاصی است که بیشتر از پارچه‌های ابریشمین الوان و زیبا دوخته می‌شود . معمولاً لباسهایی که زنان می‌پوشند اینها هستند .

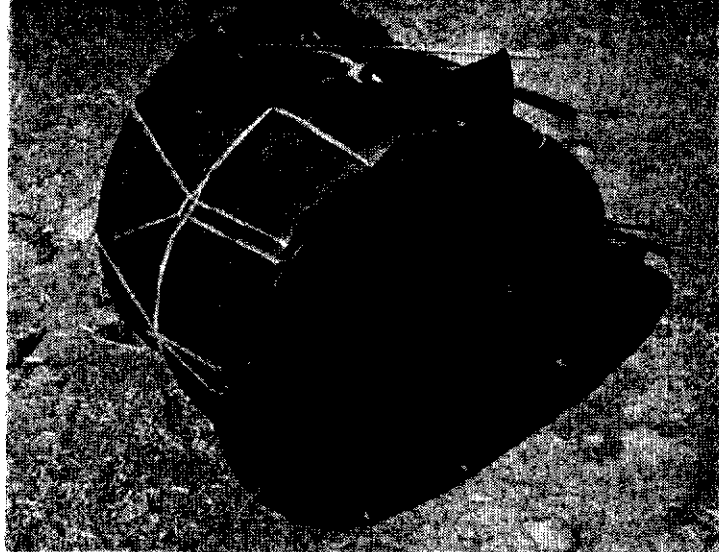
گیراس° - پیراهنی است از پارچه سفید گلدار ، آستین‌های آن سنبوسه‌ای دارد به نام « قَلْچَک° » که دور مچ پیچیده می‌شود .

فیستان° - پیراهنی است جلو باز که تمام یا نیم آستر دوخته می‌شود . بلندی این پیراهن تا روی پا می‌رسد . فیستان را روی گیراس می‌پوشند .

الک° - جلیقه‌ای است از پارچه‌های پشمی یا نخی که در جلو تکمه می‌خورد . الک را در زمستان روی فیستان می‌پوشند .

پِژْگیر - پیش‌بند آستر داری است که زنان در پیش دامن خود به کمر می‌بندند .





۱۹

پشت - شال کمر . این شال از سه تا هشت متر پارچه به رنگهای گوناگون بر روی فیستان ، دور کمر پیچیده می شود .  
 درپ - شلواری است پاچه بلند و میج دار پیچ آن باتکمه بسته می شود . «درپ» از ۹ متر پارچه دوخته می شود که سه متر آن برای لای دوم پاچه شلوار از زانو تا میج به کار می رود .  
 گتر - جورایی است پشمی که زنان آن را از پشم گوسفند و به رنگهای گوناگون و نقشدار و بی نقش می بافند .

شمَل - دستمال سر . هر زن دودستمال کلاغی ابریشمی بر سر خود می پیچد . تا چند سال پیش زنان یک نوع کلاهی هم داشتند که از ماهوت سرخ بشکل استوانه درست می کردند  
 پوشاک مردان :

درپ - شلوار زیر است که از متقال سفید و میج دار یا بی میج دوخته می شود .  
 شال کیل - شلوار رو است . این شلوار از پارچه پشمی همچون شلوار سوارکاران دوخته می شود و از کمر گاه تا زیر زانو گشاد و چین دار و از زیر زانو تا میج پا تنگ و چسبان است و چاکلی در پهلوئی این شلوار از زیر زانو تا میج پا گذاشته شده که با تکمه بسته می شود .  
 گراس - پیراهن مردانه است . فرق گراس مردان با گراس زنان درنداشتن قلچک است .  
 ستر - کت پشمی است که از پشم شتر بافته می شود این کت را در زمستان بر روی گراس می پوشند .

لیک - دستکشی است از پشم گوسفند یا از کرک بز .  
 پوشی - دستمال سیاه ریشه داری است که آن را دور سر می پیچند .

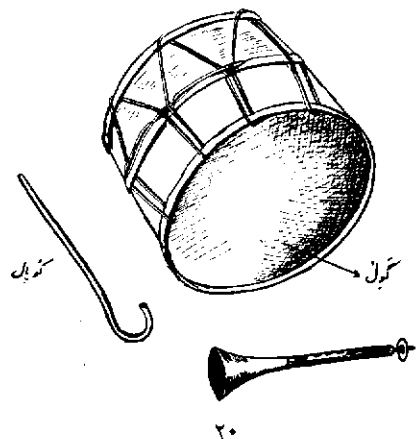
### خوراکهای مردم ایل

خوراک مردم ایل شکاک به اقتضای دامپروری سابقشان بیشتر آمیخته ای است از گوشت و دیگر چیزها . معروفترین غذاهای گوشتی آنها «ساوارا» ، «کل دوش» ، «میخل» ، «شربا» ، «بریان» ، «قلسیل» ، «شاکباب» ، «کیفت» ، «پرد پلنو» و «خرش» است .  
 «ساوارا» غذائی است از گوشت و بلغور و روغن ، «کل دوش» از گوشت و سیب زمینی و لوبیا و سبزی و روغن و کشک ، «میخل» از گوجه فرنگی و سیب زمینی و گوشت مرغ و تخم مرغ و روغن ، «پردپلو» از آرد و برنج و گوشت و آلوچه ، «قلسیل» از گوشت بره و سیرماست و روغن ، «خرش» از گوشت و بادمجان و لوبیا و سیب زمینی و گوجه فرنگی .  
 خوراک «بریان» بره ای است که در شکمش برنج و لپه و کره می گذارند و آن را روی تخته سنگی که داخل تنور گذاشته اند می گذارند تا خوب سرخ شود ، «کفت» «کوفته تبریزی» و «شاکباب» و «شربا» به ترتیب کباب شامی و آبگوشت است . خوراکهای غیر گوشتی آنها نیز عبارتند از «گرار» (آش) ، «تاو» (نیمرو) ، «لال پتک» (خاگینه) .



۱۸

۱۸ - مردان دست بردست هم میگذارند و بانوای گرم دهل و سرنا شیخانی میرقصند .  
 ۱۹ و ۲۰ دهل و سرنای شکاک .



۲۰